



تجلی بصری حوادث سیاسی و اجتماعی قرون دوم تا چهارم هجری بر بناهای تاریخی (از نظر گاه سفرنامه‌های ابن فضلان و ابن بطوطه)

کیومرث احمدی^۱، مهدی گلجان^۲ ID، رامین یلفانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، ری، ایران ahmadik2020@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار، گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، ری، ایران gojan2123@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، ری، ایران yalfani1390@yahoo.com

چکیده

سفرنامه‌ها یکی از مهم‌ترین نوشته‌های که درک ما از جهان پیرامون و گذشته را روشن می‌سازند. نگارش این نوع این آثار از گذشته‌های دور رایج بوده است. پس از ظهور اسلام و در نتیجه تشویق آموزه‌های دینی به سیر و سفر با انگیزه‌های مذهبی، علمی، سیاسی، نگارش سفرنامه‌ها رو به فزونی نهاد. سفرنامه‌های نگاشته شده حاصل مشاهدات و درک شخصی سفرنامه نویس از جهان پیرامونش است که دیده و شنیده است. در قرون نخستین اسلامی شاهد ظهور سفرنامه نویسان متعددی هستیم که امروزه آثارشان یکی از منابع مهم برای شناخت دقیق تحولاتی زمانی و مکانی دوره آنهاست. ابن فضلان و ابن بطوطه نیز از جمله این سفرنامه‌نویسان بودند که بررسی آثارشان، آینه‌ای برای آگاهی از تحولات سیاسی و اجتماعی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با دیدگاهی تطبیقی به بررسی این دو سفرنامه با تکیه بر مسائل مردم‌شناختی بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که یکی از مهم‌ترین مضامینی که در این دو سفرنامه مورد توجه قرار گرفته است حوادث سیاسی و اجتماعی قرن دوم تا چهارم هجری و تجلی آن در بناهای تاریخی است.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت خطوط کلی تحولات سیاسی و اجتماعی قرن دوم تا چهارم هجری مندرجات سفرنامه‌های ابن فضلان و ابن بطوطه.

۲. بازشناسی تجلی بصری رویدادهای سیاسی و اجتماعی قرن دوم تا چهارم هجری در بناهای تاریخی با تکیه بر سفرنامه ابن فضلان و ابن بطوطه.

سؤالات پژوهش:

۱. تحولات سیاسی و اجتماعی دوم تا چهارم هجری چه بازتابی در سفرنامه ابن فضلان و ابن بطوطه داشته است؟

۲. تجلی تحولات سیاسی و اجتماعی قرن دوم تا چهارم هجری بر بناهای تاریخی چیست؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۰۷ الی ۲۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

ابن فضلان،

ابن بطوطه،

مطالعه تاریخی،

بناهای تاریخی.

ارجاع به این مقاله

احمدی، کیومرث، گلجان، مهدی،

یلفانی، رامین. (۱۴۰۰). تجلی بصری

حوادث سیاسی و اجتماعی قرون دوم تا

چهارم هجری بر بناهای تاریخی (از

نظرگاه سفرنامه های ابن فضلان و ابن

بطوطه). هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۷-۲۵.



[dori.net/dor/20.1001.1
1735708.1400.18.43.58](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.43.58)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2020.239363.1296](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.239363.1296)

مقدمه

از مهم‌ترین میراث‌های به جا مانده از گذشته، نوشته‌هایی است که حاصل سفر سفرنامه نویسانی است که تلاش کرده‌اند تا صورتی زنده از دنیایی که با آن روبرو شده‌اند، در قالب سفرنامه برای آیندگان به یادگار بگذارند. از این رهگذر، سفرنامه نویسی، به بیان حوادث و وقایعی می‌پردازد که شخص راوی و مشاهده‌گر تلاش کرده تا دریافت خود را از مناطقی که بدان گام نهاده یا درباره آن شنیده، برای مخاطبان خود بازگو کند. این قبیل نوشته‌ها در تاریخ بشریت از دیرباز رواج داشته است و با ظهور اسلام و تشویق مسلمانان به سیر و سفر در عالم، این قبیل نوشته‌ها رو به فزونی نهاد. هدف عمده از این نوشته‌ها، تبلیغ اسلام بود. از جمله این سفرنامه‌ها که در تاریخ اسلام بسیار حائز اهمیت هستند، سفرنامه ابن فضلان، سفیر ارسالی خلیفه، و سفرنامه ابن بطوطه است. پژوهش حاضر بررسی تطبیقی این دو سفرنامه است، که تلاش دارد با نگاهی تطبیقی به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو بپردازد. از مهم‌ترین بخش‌های یک مطالعه تطبیقی، بررسی میزان شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین دو امر مورد پژوهش است. رساله ابن فضلان و ابن بطوطه از این نظر حائز اهمیت شایانی هستند که هر دو در یک فاصله زمانی چند صد ساله با مردمانی از یک تبار روبرو شده‌اند و به توصیف آنان پرداخته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در خصوص سفرنامه ابن فضلان و ابن بطوطه مطالعاتی فراوانی صورت گرفته است، از آنجمله می‌توان به نوشته میرزا محمد خان بهادر (۱۳۱۴) در خصوص سفرنامه ابن بطوطه، دویوگودو ترجمه غلامرضا سمیعی، ثقفی (۱۳۷۵)، رودگر (۱۳۷۶)، ذکاوتی قراگزلو (۱۳۷۷)، نصیب (۱۳۸۲) که نگاهی مردم شناسانه به اثر ابن بطوطه دارد، هاشمی (۱۳۸۳) که به نقد شیوه نگارش رساله ابن فضلان می‌پردازد، تکمیل همایون (۱۳۸۵) سفرنامه ابن فضلان را از جهت اهمیتی که این سفرنامه در بحث شناخت تاریخ آسیای مرکزی، اقوام خزر و اسلاو دارد بررسی کرده، حسن حبیبی (۱۳۸۵)، گراوند (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی خود به بحث سفرنامه نویسی و مسافران می‌پردازد. او در کارش آثار ابن فضلان، ابن جبیر و ابن بطوطه به‌عنوان نمونه موردی، بررسی کرده و درصدد بررسی تطبیقی این سفرنامه‌ها برآمده است. در آثار مذکور به تجلی بصری حوادث سیاسی و اجتماعی قرن دوم تا چهارم هجری بر بناهای تاریخی پرداخته نشده است لذا در پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است نگارندگان در صدد بررسی این موضوع در سفرنامه‌های ابن فضلان و ابن بطوطه پرداخته است.

۱. سفرنامه‌ها

سفرنامه در زبان عربی با عنوان «رحاله» آمده است. در خصوص معنای لغوی این اصطلاح گفته‌اند که، «الرحل» و «الرحله» به معنای جهاز و مرکب شتر، مسکن و اثاثیه منزل آمده است. «یرحل، رحلا، رحیلا و ترحالا» رفتن معنا شده است. چنان که گویند «ارتحل القوم» «انتقلوا» (وجدی، بی تا: ۴ / ۲۰۱). همچنین، عبارت «ارتحل البعیر رحله»

معنای عزیمت و حرکت شتر را در بردارد و واژه «الرحله» به ضم را به معنای مقصد و سر منزل و به کسر آن به معنای مقصد و سر منزل و به کسر آن به معنای سفر، کوچ و مهاجرت دانسته‌اند. کلمات «الترحل، الإرتحال و الترحیل» نیز همگی به معنای کوچ، سفر و مهاجرت است (ابن منظور، ۱۹۵۵م: ۱۱/۷۶-۲۷۴؛ آئینه‌وند و گراوند، ۱۳۹۰: ۳). از نظر اصطلاحی واژه سفرنامه را «نوعی تالیف دانسته‌اند که شامل عنصر عمیق درونی، تأمل دقیق در مشاهدات، ظواهر و همچنین به دنبال علل و نتایجی با بصیرتی آگاهانه می‌گردد»، تعریف کرده‌اند (آئینه‌وند و گراوند، ۱۳۹۰: ۳). همچنین سفرنامه را باید حاصل تجربه شخصی دانست که در آن نویسنده بر حسب نوع آگاهی و میزان درکی که از جهان پیرامون دارد به بازگو کردن و تصویر گری می‌پردازد. در این نوع تصویرگری، دیدگاه نویسنده بسیار حائز اهمیت است. چنان که مسافری که خود فقیه یا جغرافیدان یا غیره آن باشد به جنبه‌هایی از جزئیات توجه خواهد کرد که بیشتر نسبت نزدیکی را با دیدگاه وی داشته باشد.

سفرنامه‌ها بر حسب انگیزه‌های نگارشی قابل تقسیم‌بندی هستند. یکی از مهمترین انگیزه‌هایی که سبب شده تا سفرنامه در جهان اسلام طرفدار داشته باشد، مسأله حج بود. سفرنامه این بطوطه از این نوع به شمار می‌رود. از دیگر انگیزه‌های سفرنامه نویسی طلب علم بود. از دیگر انگیزه‌های سفرنامه نویسی، ارسال هیئت‌های سیاسی و سفرا به نواحی گوناگون و نگارش سفر مذکور از سوی سفیر بود. چنان که سفرنامه ابن فضلان حاصل این نوع هدف است. ابن بطوطه نیز در دیار هند از سوی حاکم وقت هند به عنوان هیئتی به جزایر سرانندیب و سیلان فرستاده می‌شود.

۲. تاریخ سیاسی و اجتماعی عصر ابن فضلان و ابن بطوطه

در یک نگاه تطبیقی از بررسی تاریخ سیاسی- اجتماعی دوره‌هایی که ابن فضلان و ابن بطوطه در آن زندگی می‌کردند، نکاتی قابل تأمل وجود دارد. از اهم این نکات می‌توان به:

۱- دوره‌ای که ابن فضلان در آن حضور داشت، عصر خلافت عباسی و زمانی بوده که خلافت عباسی از دوره اقتدار خود به دوره سکون رسیده و در کنار آن امرای ترک تلاش داشتند تا در ساختار سیاسی قدرت خلفای مورد نظر خود را بر کرسی بنشانند. اما دوره‌ای که ابن بطوطه در آن به سیاحت پرداخت، عصری بود که خلافت عباسی بغداد ساقط شده بود و تنها خلافت صوری آن در مصر مانده بود (شبارو، ۱۳۸۶: ۳۰).

۲- سفر ابن فضلان در زمان مقتدر خلیفه عباسی رخ داد. مقتدر در سال ۲۹۵ ق در سن سیزده سالگی به خلافت برگزیده شد. حکومت او توسط مادر، زنان و خادمان درباری اداره می‌شد و خودش به لذت‌ها و مجالس لهو و لعب مشغول بود. در مقابل دوره ابن بطوطه همزمان بود با روی کار آمدن بنی‌مرین در مغرب اقصی. آنان در دهه‌های نخست قرن هفتم هجری موفق به تشکیل دولت در مغرب اقصی شدند و حدود دو و نیم قرن یعنی تا اواخر قرن نهم هجری به حیات خود ادامه دادند. دولت بنی‌مرین در بخش اعظم حیات خود دولتی مقتدر و با شکوه بود که کارنامه ارزنده‌ای را در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی از خود به جای گذاشت.

دوران حکومت آنان در مغرب مصادف با آشفتگی های بزرگ در شرق و غرب عالم اسلامی بود. در مقابل مغرب تحت سیطره بنی مرین، به منطقه ای تبدیل شد که مردم و نخبگان توانستند در آن با آرامش زیست نمایند. همین امنیت و ثبات است که مغرب اقصی را در این دوره به مقصد مهاجران فراوان (به ویژه نخبگان) از شرق و اندلس تبدیل می کند. از دیگر سو اهتمام سلاطین بنی مرین به عمران و آبادانی و توسعه فعالیت های اقتصادی و رشد اصناف و صاحبان حرف، مغرب اقصی قرون هفت و هشت هجری را به مقصدی مطمئن برای فعالان اقتصادی، تاجران و صاحبان حرف تبدیل کرد. اما مهمتر از همه، سیاست ها و رویکرد سلاطین مرینی در عرصه علمی و فرهنگی است (برومند اعلم و انارکی، ۱۳۹۱: ۵۹).

۳- قرن چهارم هجری از لحاظ سیاسی، دوران ضعف خلافت عباسی است و از جهت دیگر، دوران رونق تمدن اسلامی بود. در این قرن، علوم از جهات گوناگونی پیشرفت محسوسی داشتند، به ویژه نوشته های جغرافیایی با زبان عربی به عنوان جنبشی مستقل به اوج رسید، کتاب های متعددی پدید آمد. عصر موحدون با توجه به رویکرد خاص مذهبی این دولت عصر آشفتگی فکری و مذهبی و تعطیلی مراکز تعلیم و تربیت و تنگنای دانشمندی است که حاضر به همراهی با قرائت رسمی حاکم نبودند. دوران بنی مرین از این جهت متفاوت است. حمایت از اکثر شاخه های علمی اعم از علوم دینی و علوم طبیعی در کنار تکریم فراوان عالمان و دانشمندان از یکسو و نهضت مدرسه سازی و گسترش نهادها آموزشی از سوی دیگر، مغرب عصر بنی مرین را به کانون مهم علمی و فرهنگی در غرب سرزمین های اسلامی در این دوره تبدیل کرد. ویژگی های فرهنگی و علمی این دوره، در کنار بازگشت به قدرت فقه مالکی که در عصر موحدون مهجور گردیده بود، تأثیرات بسزایی را بر جامعه و فرهنگ مغرب بر جا گذاشت (همان).

۴- تاریخ نویسان مقتدر را مردی بزرگوار و با سخاوت ذکر کرده اند که خلعت و صله فراوان می بخشید (ابن طقطقی، بی تا: ۳۰۵).

۵- از نظر اجتماعی دوره ابن فضلان عصری بود که دوره محنت به سر آمده بود و اهل حدیثی توانسته بودند به تدریج قدرت را به دست بگیرند. این امر به ویژه در دارالخلافه بیشتر قابل پیگیری بود، زیرا هنوز معتزله به صورت کامل از صحنه سیاسی حذف نشده بود. اما عصر ابن بطوطه با دوره ابن فضلان از این نظر متفاوت بود که جهان اسلام با پدیده به نام مهاجرت گسترده ترکان و هجوم مغولان روبرو شد که نتیجه این آشفتگی سیاسی- اجتماعی تمایل جامعه اسلامی به تصوف و نحله های وابسته به آن بود. از مهمترین جریان هایی که در فاصله روی کار آمدن سلاجقه تا سقوط دستگاه خلافت توانست در صحنه جهان اسلام قدم علم کند، اندیشه تصوف بود (هولت و لمبتون، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

۳. بررسی شخصیت ابن فضلان و ابن بطوطه

بررسی جنبه‌های شخصی ابن فضلان و ابن بطوطه نشان می‌دهد که هر دو دارای زمینه‌های فقهی بودند با این تفاوت که ابن بطوطه چاشنی تصوف را هم در کار خود داشت. به هر صورت در بررسی‌های زندگینامه ابن دو نکاتی قابل تامل وجود دارد. از مهم‌ترین آن می‌توان به:

۱- عدم ذکر مسافرت ابن فضلان در منابع تاریخی و ذکر شخصیت وی. منابع تاریخی در خصوص ابن فضلان و مسافرتی که انجام شده توضیحی نمی‌دهند. افزون بر این در کتاب‌های جغرافیا و تاریخ و اخبار چیزی درباره شرح حال ابن فضلان نگاشته نشده است. این غفلت چندان است که اسم واقعی او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و باید به حدس و گمان بسنده نمود (حموی، بی‌تا: ۲/ ۴۸۵). برخلاف ابن فضلان، از زندگی ابن بطوطه اطلاعات نسبتاً خوبی در دسترس است. آنچنان که مشخص است در چه تاریخی متولد شده، کجا درس خوانده و به چه جاهایی رسیده و سرانجام کجا در گذشته است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

۲- از جزئیات رساله و توجه او به ذکر مسائل اساسی در شناسایی ملل مورد نظر مشخص است که ابن فضلان ادیبی بلند پایه و فقیهی عالیمقدار و مردی با تقوی و خوش خلق و دوستدار انتشار تعلیمات دینی بوده و در راستی گفتار و حسن رفتار و امانت داری او تردیدی نیست. با وجود این، ابن فضلان بسیار ساده دل بوده و شاید این حالت طبیعی و یا در نتیجه سالخوردگی او بوده است. همانند ابن فضلان، ابن بطوطه نیز در مرتبه فقاقت به درجه‌ای رسیده بوده که در بسیاری مقاطع عهده‌دار منصب قضا و داوری گردید. عشق به آگاهی و گرایشش به دین و پرهیزگاری و به ویژه روحیه ماجراجویی او، سبب شد تا در سن ۲۲ سالگی به قصد حج از سرزمین مادری رهسپار حجاز شود.

۳- در خصوص سن ابن فضلان در ایام سفر می‌توان گفت که با توجه به تحمل مشقات سفر، باید جوان یا پایان دوره جوانی بوده باشد.

۴- ابن فضلان جهانگرد نبوده است، بلکه تنها حادثه‌ای سبب مسافرت او به همراه گروهی به سرزمین اسلاوها گردید که در کرانه رودخلنه ولگا (اتل) زندگی می‌کردند. اما برخلاف ابن فضلان، ابن بطوطه جهانگردی بی‌نظیر بوده که تا آنجا که برایش مقدور بوده به سیاحت پرداخت. اهمیت ابن بطوطه در شرق عالم اسلامی چنان بوده است که ابن جزی بیان داشته که در شرق به وی لقب «شمس‌الدین» داده بودند: «در بلاد مشرق به لقب شمس‌الدین اشتهار دارد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۸).

افزون بر این، ابن بطوطه تفاوت‌هایی با ابن فضلان دارد. این تفاوت‌های در ویژگی‌های شخصیتی ابن بطوطه نهفته است. نخستین مورد از شخصیت ابن بطوطه حافظه نیرومند وی در ثبت و ضبط داده‌ها است. دومین ویژگی شخصیتی ابن بطوطه زهد پرستی وی است. او علاقه خاصی به مشایخ صوفیه و زهاد و پیران طریقت داشت. سومین ویژگی شخصیتی ابن بطوطه، قضاوت صحیح وی در خصوص اعمال دیگران به ویژه سلاطین و امرا است (نصیب،

۱۳۸۲: ۲۶۳). زن دوستی و ازدوج‌های متعدد وی از دیگر جنبه‌های بارز شخصیت ابن بطوطه در سراسر دوره سفرش بود (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۴۱، ۶۰۴).

در بررسی علت سفر ابن‌فضلان و ابن‌بطوطه می‌توان به عوامل سیاسی - مذهبی و مذهبی - سیاحتی اشاره کرد.

۱- ابن‌فضلان به عنوان سفیر خلیفه و به منظور حفظ جنبه‌های مذهبی هیئت ارسالی عازم سرزمین روس‌ها گردید: «ماجرا چنین بود که در بهار ۳۰۹ ق (۹۲۱ م) شاه صقالبه (اسلاوها) آلمش بن یلطوار نامه‌ای توسط عبدالله بن باشتو خزری، برای مقتدر، خلیفه عباسی فرستاد و از او درخواست کرد که عده‌ای را برای تعلیم احکام فقهی و دین اسلام، ساختن مسجد، نصب منبر و خواندن خطبه به نام خلیفه در تمام این بلاد، و هم چنین برای کمک در ساختن قلعه‌ای که مسلمانان را از حمله مخالفان (خزری‌ها) حفظ کند، گسیل دارد. ظاهراً در نامه دیگری نیز از وزیر درخواست کرده بود که برای او ادویه بفرستد. این افراد در خواست دیدار حضوری با خلیفه داشتند که در آغاز اجازه ندادند، ولی پس از مدتی و دیدار با وزیر، این ملاقات با واسطه تکین صورت گرفت» (ابن‌فضلان، ۱۳۵۶). برای ابن‌بطوطه انگیزه مذهبی - سیاحتی عامل سفر بیست ساله وی بوده است. در ابتدای املای سفرنامه‌اش بیان می‌دارد که: «روز پنجشنبه، دوم ماه رجب سال ۷۲۵، به مقصد حج و زیارت قبر پیغمبر که والاترین درود و سلام بر او باد، یکه و تنها از زادگاه خود در طنجه بیرون آمدم. میل شدید باطنی و اشتیاقی که برای زیارت آن مشاهد متبرکه در اعماق جانم جایگزین بود مرا بدین سفر برانگیخت» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۵۱).

۲- آنچه که از مفاد رساله مشخص است که هدف دستگاه خلافت از ارسال چنین هیئتی مقدم بر درخواست الممش بن یلطوار پادشاه اسلاوها (صقابه) نبوده و خلیفه پس از آن اقدام به ارسال هیئت نموده است (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰: ۴ / ۴۰۱). انگیزه‌های مذهبی و اقتصادی نیز در ارسال هیئت دخالت داشته است: «در مملکت صقالبه اموال زیادی هست و می‌توانند خراج زیادی بپردازند» (ابن‌فضلان، ۱۳۵۶: ۵۷). ابن‌بطوطه برخلاف ابن‌فضلان که با یک هیئت سیاسی همراه بوده، عمدتاً تلاش داشته تا با کاروان‌های حجاج همراه شود و فارغ از مسأله حج و انگیزه مذهبی که عامل مهمی در این سفر ۳۰ ساله بود، علاقه شخصی ابن‌بطوطه در شناخت عالم اسلامی و زیارت شیوخ متصوفه هم باعث تداوم آن گردید. او به هر جایی که می‌رفت، تلاش داشت تا در اویش آن سامان را زیارت کند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۵۹).

۴. بررسی سفرنامه‌های ابن‌فضلان و ابن‌بطوطه

رساله ابن‌فضلان رساله‌ای است سیاسی - اجتماعی و فرهنگی حاصل مشاهدات سفیر دربار خلافت عباسی که به نمایندگی از خلیفه عازم سرزمین روس‌ها گردید. این رساله تصویری خوب و زنده از مردم سرزمین‌های آسیای مرکزی و شمال خزر، جغرافیای انسانی و حاکمان این مناطق ارائه کرده است و در نوع خود بی‌نظیر است. رساله

ابن فضلان شرح سفری است که از بغداد شروع و بعد از پیمودن مسیرهایی به ماوراءالنهر تا نزدیکی مسکو پیش رفته و با بازگشت به بغداد پایان یافته است. او پس از بازگشت، شرح سفر خود را به صورت کتابی به رشته تحریر در آورده است. شاید بتوان گفت که قابل اعتمادترین گزارش درباره این منطقه، از سوی ابن فضلان ارائه شده است. برخی در مورد استفاده یاقوت از رساله ابن فضلان تردید دارند و گفته‌اند که احتمالاً یاقوت بعدها در اثر مشهور خود معجم‌البلدان از رساله ابن فضلان استفاده کرده باشد (نفیس، ۱۳۷۶: ۶-۳۵).

سفرنامه ابن بطوطه که با نام «تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجایب الاسفار» شناخته شده است، سفرنامه‌ای است تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در قرن هشتم هجری و به دستور یکی از امرای مغرب با نام «ابوعنان» نگاشته شده است. همانند ابن فضلان، محتویات سفرنامه ابن بطوطه، حاصل مشاهدات شخصی است. این سفرنامه املائی است که بنا به دستور امیر مذکور برای «ابن جزی» کاتب دربار سلطان «ابوالحجاج» پادشاه غرناطه که در آن هنگام در مراکش به سر می‌برد، انجام شده و ابن جزی نیز گفته‌های او را ملخص و منقح ساخته است که بیش از آنکه با نام اصلی آن یعنی تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجایب الأسفار شناسانده شود با نام «رحله ابن بطوطه» عالمگیر شده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۸).

۴. تجسم بصری تحولات سیاسی و اجتماعی قرن دوم تا چهارم هجری در سفرنامه های ابن فضلان و ابن بطوطه و بازتاب آن در بناهای تاریخی

یکی از مهمترین موضوعاتی که سفرنامه‌ها بدان پرداخته‌اند، مسائل سیاسی است که دریافت ما را از نظام سیاسی زمانه سفرنامه‌نویسی مشخص می‌کند. در این میان رساله ابن فضلان و سفرنامه ابن بطوطه دو نمونه بی‌نظیری هستند که رخدادهای سیاسی را به شیوه‌ای ادیبانه و هنرمندانه برای ما بازگو می‌کنند. از مهم‌ترین بخش‌های رساله ابن فضلان، توجه به مسائل سیاسی و حکومتی، چه در راه و چه در شهرها و مقصد است و این امر آشکارا سیاسی بودن هیئت را می‌رساند. دقت او در ثبت وقایع ایام سفر و ذکر نام و لقب‌های شاهان و امیران این منطقه، شاهدی بر توجه او به مسائل سیاسی است. مثلاً او توجه داشته است که غزها شاه را ییغو و جانشین او را گوذر کین می‌گفتند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۵). ابن فضلان به آداب و تشریفات سیاسی نیز می‌پردازد (همان: ۸۱). ابن فضلان به روابط شاه با مردم و شاهان دیگر و زندگی شخصی و آداب سیاسی توجه کرده، در حالی که او فردی فقیه و عالم بوده است. ویژگی‌های کلی ابن فضلان در توصیف مسائل سیاسی عبارتند از:

الف- ذکر کلی‌گویی و بیان سطحی حوادث و وقایع سیاسی. برخلاف او، ابن بطوطه تلاش کرده تا جزئیات دقیق را در خصوص ترکان و سرزمین‌های کفار بازگو کند.

ب- ذکر امرا و حکام شهرهایی که به نظر مهم بوده است. این مورد را ابن بطوطه با اندکی مبسوط‌تر بیان می‌کند؛

ج- بیان اصطلاحات سیاسی خاص هر منطقه، به ویژه در میان ترکان و صقالبه، اینکه در هر منطقه‌ای حاکم یا امیر سیاسی را با چه عنوانی خطاب می‌کردند، جایگاه سیاسی فرد مذکور و شمه‌ای از روحيات آنان. در همین خصوص ابن بطوطه نیز به مانند ابن فضلان اصطلاحات خاص را بیان می‌دارد؛

د- ذکر تشریفات سیاسی دربار ترکان و صقالبه با جزئیات دقیق که به نظر می‌رسد، دربار خلافت باید از آن مطلع گردد؛

ه- بیان مدت و چگونگی حکومت حکام صقالبه و ترک‌ها.

نمونه‌هایی که از ویژگی‌های اساسی رساله ابن فضلان ذکر شد، در سفرنامه ابن بطوطه با تفصیلات بیشتری همراه شده است. از جمله مسائل مهم مورد توجه در سفرنامه ابن بطوطه توجه به امور سیاسی در طول دوره سفر وی و در سراسر مناطقی است که او بدان گام نهاده است. از آنجایی که موضوع بحث این پژوهش مطالعه تطبیقی با رساله ابن فضلان است، بنابراین برای فهم موضوع لازم است تا توجهی که ابن بطوطه به مسائل سیاسی مطروحه در حد فاصل سفر وی در ایران و روسیه و بلغار داشته، معطوف شود. اطلاعاتی که وی از حاکمان زمانه خود دارد از تعریف و تمجید تا توبیخ و بحث از جناب‌های ایشان را در بر می‌گیرد. او به شرح اصطلاحات خاص سیاسی نیز می‌پردازد. اینکه در هر منطقه سلطان یا امیر با چه عنوانی خوانده می‌شده و مقایسه قدرت وی با همعصران خود. در خصوص پادشاه ترکان می‌نویسد: «اسم او محمد اوزبک‌خان است. خان در اصطلاح ترکان به معنی سلطان می‌باشد. این پادشاه کشوری بزرگ و نیرویی بسیار و اهمیتی بسزا و شأن و شوکتی بی‌شمار دارد و با دشمنان خدا یعنی مردم قسطنطنیه که آنها هم کشور وسیعی دارند دائماً در جهاد است. قلمرو سلطنت او بسیار پهناور است و شامل نواحی کفا و قرم و مجار و ازاو و سرداق خوارزم می‌شود. پایتخت او شهر سرا و او خود یکی از هفت پادشاه بزرگ دنیا است که عبارتند از از مولای ما امیرالمؤمنین سلطان مراکش، سلطان مصر و شام، سلطان عراقین و سلطان اوزبک و سلطان ترکستان و ماوراءالنهر و سلطان هند و سلطان چین. سلطان اوزبک در محله‌ای جدا با غلامان و ارباب دولت سفر می‌کند. هر کدام از خاتون‌های او نیز محله‌ای جداگانه دارند و هر گاه سلطان بخواهد پیش یکی از آنها برود نخست او را خبر می‌کند تا خود را آماده پذیرائی گرداند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۰۳).

ابن بطوطه آداب و مراسم سیاسی و درباری خاص هر پادشاهی را که در بارگاه وی حضور داشته با تفصیلات فراوان و ذکر جزئیات دقیق بازگو می‌کند به گونه‌ای که خواننده سیمایی مطلوب از آن را می‌تواند در ذهن خود مجسم کند (همان: ۱/ ۴۰۴). توصیفاتى که ابن بطوطه از دربار سلاطین روزگار خود می‌آورد حکایت از میزان قدرت و جایگاه ایشان در بین مردمشان دارد.



تصویر ۱: مقبره سلطان اسماعیل سامانی، قرن سوم هجری، بخارا، مأخذ: (زمرشیدی: ۱۳۹۰: ۵۱)

ابن بطوطه در سفرنامه خود به مجموعه تاریخی سنگ بست اشاره دارد که در را تلاقی مرو، نیشابور و قهستان و توس به عنوان یک بنای تجاری و نظامی ثبت شده است (ابن بطوطه: ۱۳۷۶: ۴۵۴)



تصویر ۲: مقبره ارسلان جاذب و میل ایاز، مربوط به قرن چهارم هجری، دوره غزنوی. مأخذ: (اکبری و فرخی: ۱۳۹۶).

مسائل اقتصادی مورد توجه ابن‌فضلان و ابن‌بطوطه در چند قسم قابل طرح است:

الف- ذکر پول‌های رایج و ارزش تقریبی آن:

دقت ابن‌فضلان در ذکر جزئیات امور اقتصادی جالب است، مثلاً درهم‌های خوارزم را توصیف کرده که از چه جنسی است و چه وزنی دارد. گفته است درهم طازجه ارزش چهار دانق داشته و درهم صیرفی نیز یکی از درهم‌ها بوده است. درهم بخارا را چنین توصیف می‌کند: برخی درهم‌ها ارزش زیادی دارند، مثل غطرفیه که عددی معامله می‌شود نه وزنی، و در شرایط مهر ازدواج، این درهم را نام می‌برند. و درهم سمرقندیه نیز رایج است که شش عدد آن ارزش یک دانق دارد.

از مهمترین مواردی که در سفرنامه ابن‌بطوطه مورد توجه ویژه‌ای بوده، مسائل اقتصادی اقوام و ملل گوناگون و نحوه تجارت و کار و کاسبی مردم مناطقی است که به آن گام نهاده است. در سفرش به حوزه اقوام ترک و مجار توجه او به ریزترین مسائل اقتصادی قابل توجه است: «اسب در آن نواحی بسیار زیاد و قیمت آن بسی ناچیز است، چنان که بهترین اسب را به پول آنجا به پنجاه یا شصت درهم می‌شود خرید که به پول ما در حدود یک دینار می‌شود. این اسبها از جنسی است که در مصر اکادیش نامیده می‌شود. معیشت مردم آن نواحی از راه نگهداری اسب است و اسب در آنجا همان موقعیت را دارد که گوسفند در ولایتهای ما بلکه هم بیشتر. مثلاً یک ترک ممکن است هزار اسب داشته باشد و معمولاً شماره اسبان خود را یک تکه نمد به طول یک وجب که بر سر چوب نازکی به گوشه ارابه زنان خود نصب می‌کنند مشخص می‌سازند و هر علامت نمودار هزار رأس اسب است» (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۹۸).

ب- دقت در اوزان مناطق مختلف

ج- اشاره به معیشت مردم از قبیل خوراک و پوشاک و داد و ستد روزمره و چگونگی درآمد:

ابن‌فضلان از برخی غذاها نام برده است، مانند خبز (نان) و جاورس (دانه‌ای که مثل روغن می‌خورند) و نمکسود) گوشت خشک شده و فلفل و کشمش و برخی میوه‌ها مانند درختان بندق که منطقه‌ای حدود چهل کیلومتر را پوشانده بود. غذایی مرکب از گوشت و جو می‌پختند و استفاده می‌کردند. بسیاری از این غذاها را از مناطق دیگر خریداری می‌کردند که شاهدهی بر رونق تجارت نزد آنان است. او نقل می‌کند که قوم روس در نزدیکی رود اتل سکونت داشته و تجارت می‌کردند (ابن‌فضلان، ۱۳۵۶: ۱۰۱). از عناصر وجود تجارت در آنجا بازار است که ابن‌فضلان وجود بازار را نزدیک رودخانه اتل تأیید می‌کند که فصلی بوده و برخی اوقات برای فروش کالا تشکیل می‌شده است (همان: ۹۲).

ابن‌بطوطه نیز به مانند ابن‌فضلان، به نحوه داد و ستد اقوام نیز توجه ویژه داشته است. مباحثی را هم به‌عنوان چگونگی تجارت اقوام در لابه‌لای سفرنامه خود بدان اختصاص داده است. چنانکه در خصوص ترک‌ها به تجارت گسترده اسب با هندوستان و سایر سرزمین‌ها به صورت مبسوط اشاره کرده است: «اسب‌ها را دسته دسته به

هندوستان می‌برند و هر دسته آن کمابیش شش هزار رأس می‌شود که هر بازرگان تقریباً صد یا دویست رأس آن را مالک می‌باشد. هر پنجاه اسب نگهبانی دارد که مواظب علوفه و غیره است و او را قشی / قوشی / قوشچی می‌نامند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۳۹۹).

ابن بطوطه در بازدید از مناطقی غیر مسلمان نیز همین رویه بیان جزئیات تجارت ایشان را بازگو کرده است. در مسافرتش به سرزمین بلغار و سپس نواحی‌ای که وی ظلمات می‌نامد به این مقوله اشاره دارد: «مسافری ظلمات پس از طی چهل منزل راه به آن سرزمین می‌رسند. بازرگان متاعی را که آورده است در بیرون رها می‌کند، به منزل می‌رود و فردا که به سراغ متاع خود می‌رود می‌بیند که بجای آن سمور و سنجاب و قاقم گذاشته‌اند. اگر اجناسی که بجای کالای او گذاشته شده بقدری باشد که او را راضی کند آنها را بر می‌دارد و راه می‌افتد و اگر راضی نشود دست به آنها نمی‌زند و همینطور می‌گذارد تا فردا شب مقداری دیگر بر آنها اضافه کنند اما گاهی نیز اتفاق می‌افتد که مردم ظلمات از معامله منصرف شده جنس خود را می‌برند و کالای بازرگان را سر جای خود می‌گذارند. معاملات سرزمین ظلمات بدینگونه است و معلوم نشده که مردم آنجا چگونه مخلوقاتی هستند و آیا از انس اند یا از جن!» (همان: ۱ / ۴۱۱).

توجه به مسائل دینی از مهمترین دغدغه‌های ابن فضلان و ابن بطوطه بوده است: به دلیل این که ابن فضلان یک عالم دینی بوده، در تمام مراحل سفر، به امور عبادی و مذهبی توجه ویژه داشت و دین و اعتقادات مردم این نواحی را بیان کرده و در برخی موارد از شدت تعجب و تعصب آنان را به موجوداتی تشبیه کرده است، مثلاً می‌گوید: اهل غزیه مردمانی مانند حیوان راه گم کرده بودند، چون دینی نداشتند و به عقل عمل نمی‌کردند و بزرگان خود را ارباب می‌دانستند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۶۹). او نقش خدا و عقل را یکی از مؤلفه‌های انسانی شمرده و از این رو آنان را از انسانیت به دور دانسته است. ابن بطوطه به مانند ابن فضلان مسائل دینی را از نظر دور نداشته است: «مردم خوارزم درباره نماز رسم پسندیده‌ای است که در هیچ جای دیگر نیست. بدین تفصیل که مؤذنین مساجد هنگام نماز، خانه‌هایی را که در مجاورت مسجد واقع شده خبر می‌کنند و آنان را به نماز فرا می‌خوانند و هر کس سر نماز حاضر نشود امام مسجد در ملاً عام تازیانه‌اش می‌زند. در هر مسجد تازیانه‌ای آویخته‌اند که برای این کار است و گذشته از شلاق زدن پنج دینار هم از این‌گونه اشخاص جریمه می‌گیرند که به مصرف احتیاجات مسجد و اطعام فقرا و مساکین می‌رسد. می‌گویند این رسم از قدیم الایام در میان خوارزمیان معمول بوده است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۳۵).

تمرکز بر روی بهداشت فردی: مسئله دیگر رعایت نکردن پاکی و تمیزی است که در مورد مردم غز می‌گوید: این مردم طهارت نمی‌گیرند، غسل جنابت و شستشو نمی‌کنند و با آب بخصوص در زمستان سروکاری ندارند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۶۹).

بیان اعتقادات دینی مردم: ابن فضلان اعتقادات مردم باشغرد را چنین بیان می‌دارد: برخی از این ترک‌های باشغرد به دوازده خدا، مانند خدای زمستان، بهار، باران، باد، مرگ، درخت، حیوان، شب، روز، زمین و آب اعتقاد داشتند. خدای

آسمان بزرگ‌ترین خدای آن هاست (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۸۰). در هنگام گرفتاری در حالی که سر خود را به سوی آسمان بلند می‌کردند، به زبان ترکی می‌گفتند بپر تنکری که به معنای خدای واحد و یکتاست و اعتقاد فطری آن‌ها را به خدای یگانه می‌رساند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۶۹). ابن بطوطه نیز اعتقادات دینی مردم روزگار خود را به نحو احسن بازگو می‌کند. از آنجمله، برخی از آداب و رسوم شیعیان در قرن هشتم هجری به روایت ابن بطوطه است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۴۳۲).

بیان مناسک دینی و آداب و رسوم تشیع جنازه مسلمان و غیرمسلمان: مطلب دیگری که ابن فضلان به آن توجه کرده، رعایت مراسم و آداب غسل و دفن مرده مسلمان است که در منطقه شاه صقالبه به آن عمل می‌کردند که بیان‌گر اعتقاد آن‌ها به احکام دین و جایگاه دین نزد این مردمان است. او تنها به ذکر جزئیات آداب و رسوم مسلمانان در خصوص مردگان اشاره نمی‌کند بلکه از رسومات برخی اقوام ترک که غیرمسلمان هستند، گزارش می‌دهد. «هرگاه مردی از ایشان بیمار شود و غلام و کنیز داشته باشد، آنها به خدمتش می‌ایستند و هیچیک از کسانش به او نزدیک نمی‌شود. برای شخص بیمار در گوشه‌ای از خانه چادری برپا می‌کنند. او همچنان در چادر می‌ماند تا بمیرد یا بهبودی یابد (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۵-۷۴).



تصویر ۳: مسجد تاریخانه دامغان، مربوط به قرن دوم هجری قمری. مأخذ: (زمرشیدی، ۱۳۹۰: ۵۵)

مسئله‌ای که سبب تعجب و شگفتی ابن فضلان شده بود، این بود که زنان در این منطقه به حجاب و پوشش هیچ‌گونه توجهی نداشتند و زن و مرد خود را در نهر می‌شستند. او تلاش زیادی کرده بود تا زانانشان خود را بپوشند ولی موفق

نشده بود. با این که پوشش برای آن ها معنا نداشت ولی براساس گفته ابن فضلان زنا و لواط نزد آنان گناهی بسیار بزرگ و امری نادر بوده است و اگر در هر صورت رخ می داد، مجازات بسیار سنگینی داشته، است (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۹۲).

یکی از محورهای اساسی مورد توجه ابن فضلان توجه به مسائل مردم شناختی ملل و اقوامی است که او در طول سفر خود مشاهده نموده است. چنانکه در بسیاری از موارد او امور مادی یعنی آنچه مربوط به تن و هیئت جسمانی مردم بوده و اموری معنوی که نتیجه فکر و عقل انسانی است، توجه ویژه‌ای مبذول داشته است.

مطابق نظریه مردم شناسی، ابن فضلان در مباحثی که مطرح می کند، تلاش کرده تا به ارتباط زندگی انسانی با محیطی که در آن نشو نما پیدا کرده بپردازد. اینکه هر محیط چه تأثیراتی در وجود و تکامل انسان دارد و بدون شک محیط و خاک و آب و هوا در کیفیت خلقی و خلقی انسان تأثیر تام دارد. ابن فضلان در وصف ترکان می نویسد: «ترکان عموماً موهای ریش خود را می کنند و فقط سبیل می گذارند. گاهی پیر فرتوتی را می بینید که ریش خود را کنده و کمی از آن را در زیر چانه اش باقی گذاشته و پوستینی به دوش انداخته است بطوری که اگر شخصی او را از دور ببیند بدون تردید خیال می کند او یک بز نر است» (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۵). از همین طیف در وصف روس ها می نویسد: «آنان کثیف ترین خلق خدا هستند. خود را از بول و غایط پاک نمی کنند و غسل جنابت به جا نمی آورند. دستان خویش را پس از غذا نمی شویند. بلکه این جماعت همچون خران گمراهند» (همان: ۱۰۲). از دیگر مشخصات زندگی اجتماعی روس ها که تعجب ابن فضلان را به همراه داشته است، آداب و رسوم وفات بزرگان است که تلاش کرده تا از نزدیک آن را دیده و برای خوانندگان رساله به زیباترین نحو ممکن به تصویر بکشد. تصویری که امروزه ما را در فهم زندگی اجتماعی اقوام روس و بلغار یاری می دهد (همان: ۱۰۸-۱۰۴).

از دیگر مباحث پیرامون مسأله مردم شناسی، شناخت نژادهای مختلف نوع انسان است که در سده های اخیر محل نزاع های فراوانی نیز بوده و مسأله ناسیونالیسم برآمده آن است. ابن فضلان به مسأله شناخت نژاد اقوام بی تفاوت نبوده لکن آنگونه نیست که تفاوت ها در نگاه وی سبب برتری طلبی شود. او در رساله خود در باب قبیله پچناگ ذکر می کند که: «این قبیله در کنار آب آرامی شبیه به دریا سکونت دارند. بشره ایشان گندم گون تیره است. ریش خود را می تراشند و بر عکس غذا مردمی فقیرند» (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۸). در خصوص روس ها می نویسد: «روس ها را دیدم برای تجارت می آمدند و در رود اتل رفت و آمد می کردند. من هیچکس را به تناسب اندام آنان ندیده ام. ایشان سرخ و سفید و همچون درخت خرما هستند» (همان: ۱۰۱).

ابن بطوطه توصیف کاملی از اقوام و ملل گوناگون دارد. از همین قسم توجه او به اقوام ترک و نحوه زندگی آنان است. توصیفی که او از ترک ها و اقوام مجار می آورد در نوع خود بی بدیل است. توجه به نوع غذا، پوشش، ساختار جسمی و روان آنان نمونه بارز اهمیت سفرنامه وی است: «ترک ها نان یا غذای سنگین و غلیظ نمی خورند بلکه خوراک

مخصوصی دارند که آنرا از چیزی شبیه به ارزن که دوقی نامیده می‌شود درست می‌کنند. بدین گونه که نخست آب را می‌جوشانند و آنگاه قدری دوقی در آن می‌ریزند و اگر گوشت هم داشته باشند آنرا ریز ریز کرده با آن می‌پزند و پس از طبخ سهم هر کس را در کاسه‌ای می‌کشند و روی آن قدری ماست می‌ریزند و می‌خورند و پس از صرف غذا مقداری شیر مادیان یا قمیز می‌نوشند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۹۵). در مورد ترک‌های اضافه می‌کند: «ترک‌ها مردمانی نیرومند و قوی بنیه و دارای سلامت مزاج هستند» (همان: ۳۹۶).

از دیگر مباحث پیرامون مردم‌شناسی که در رساله ابن فضلان بازتاب دارد، امور معنوی که شامل زبان، چگونگی زندگانی اجتماعی، مطالعه در عقاید دینی و مذهبی و سیر تاریخی اقوام و مهمترین آن توده‌شناسی است. در مسأله زبان اقوام مختلف، ابن فضلان تفاوت‌ها را به صورت واضح بیان می‌کند. در خصوص زندگی اجتماعی مناطق مختلفی که او بدان پا نهاده به همین نحو عمل نموده است. او در این میان به نوعی نگاه تطبیقی نیز همت گماشته است و تفاوت و شباهت اقوام و قبایل را بررسی کرده است. چنان‌که در مقایسه قبیله پچناگ و غز اشاره دارد که پچناگ‌ها بر عکس غزها مردمی فقیرند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۸). یا در خصوص جزئیات زندگی اجتماعی نکات قابل تأملی بیان می‌کند: «در شهر متعلق به قبیله‌ای از ترک‌ها معروف به باشگرد توقف نمودیم. ما از آنها بسیار بیمناک بودیم. زیرا این جماعت شرورترین و کثیف‌ترین ترک‌ها و سخت‌ترین ایشان در آدم‌کشی می‌باشند. ناگهان می‌بینید مردی مرد دیگری را به زمین انداخته سر او را می‌برد و آنرا بر می‌دارد و بدنش را رها می‌کند. آنها ریش خود را می‌تراشند و شپش می‌خورند. بدین شکل که درزهای نیم‌تنه خود را جستجو کرده شپش‌ها را با دندان جویده می‌خورند» (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۹).

از دیگر مباحث پیرامون مردم‌شناسی که در رساله ابن بطوطه بازتاب دارد، امور معنوی که شامل زبان، چگونگی زندگانی اجتماعی، مطالعه در عقاید دینی و مذهبی و سیر تاریخی اقوام و مهمترین آن توده‌شناسی است. او در توصیف شهر سرا که پایتخت سلطان اوزبک بود می‌نویسد: «مردم این شهر از طائفه‌های مختلف‌اند. سکنه اصلی از مغولان می‌باشند که حکومت نیز در دست آنان است و برخی بدین اسلام درآمده‌اند. طوائف دیگری که در این شهر سکونت دارند عبارت‌اند از آسها (اوست‌ها) که مسلمان‌اند و قبیچاق‌ها و چرکس‌ها و روس‌ها و رومی‌ها که همه مسیحی‌اند. هر طائفه در محله علیحده‌ای می‌نشیند که بازار و دکانین جداگانه دارد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳۲).

بحث دیگری که در دیگاه ابن فضلان دور نمانده و در چارچوب مسأله مردم‌شناسی قابل طرح است، بررسی و بیان عقاید مذهبی و دینی اقوام و مللی که او مشاهده کرده است. «گروهی از ایشان را دیدم مار را می‌پرستیدند. طایفه دیگر آنها ماهی و جمعی هم درنا را پرستش می‌نمودند» (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۸۰). در خصوص همین بیان مذاهب و عقاید اقوام می‌نویسد: «در میان ایشان کسانی هستند که به وجود دوازده خدا معتقدند: خدای زمستان، خدای تابستان، خدای باران، خدای باد، خدای درخت، خدای مردم، خدای چهارپایان، خدای آب، خدای شب، خدای روز، خدای مرگ و خدای زمین» (همان).

یکی از مسائل مردم‌شناسی مورد توجه ابن بطوطه توجه او به زنان و موقعیت اجتماعی آنها در بین اقوام و ملل گوناگون است. ابن بطوطه به هر کجا که رفته است، تلاش نموده تا از وضعیت زنان آنجا، صورت و سیرت، طرز پوشش و آداب معاشرت و چگونگی رفتارشان، تصویری زنده و گویا به دست دهد. در روزگار ابن بطوطه زنان در بیشتر جوامع با محدودیت‌های مختلفی روبرو بودند و از آزادی اجتماعی برخوردار نبودند. تنها در این میان، زنان درباری و روحانی از آزادی برخوردار بودند، زنان ترک نیز آزادی نسبی داشتند، آنها روی خود را از مردان نمی‌پوشاندند و از برخورد با آنها ابا و هراسی نداشتند. مقام زن نزد ترک‌ها و مغول‌ها والا و محترم بود. این احترام هم در میان طبقه درباری و هم بین عامه مردم صادق بود: «چیزی که در این بلاد مایه تعجب فراوان بود احترامی بود که درباره زنان خود داشتند. مقام زن در میان این مردم بالاتر از مقام مرد است. اول باری که زنان امرای آن نواحی را دیدم به هنگام حرکت از قرم (کریمه) بود که زوجه امیر سلطیه را در ارابه مشاهده نمودم» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۱۱۰۱). ابن بطوطه سپس توصیفی مفصل از نحوه احترام و عزت زنان درباری را با این نمونه بیان می‌کند. در خصوص زنان عامه مردم نیز مشاهدات وی حکایت از احترام مردها به آنان دارد: «وضع زنان امرا از این قرار بود... زنان بازاریان و مردمان متوسط را هم دیدم که معمولاً هر کدام بر ارابه‌ای سوارند و سه چهار کنیز دارند که دامن لباسشان را به دست می‌گیرند. این خاتون‌ها بغطاق (بغلطاق) بر سر می‌گذارند و آن اقروفی است مرصع به جواهر که در رأس آن یک پر طاوس نصب شده است. پنجره‌های اطاقک ارابه را نمی‌بندند، روی زن هم باز است چه زنان ترک چادر به سر نمی‌کنند» (همان).

«زن ترک به همین وضع به بازار می‌آید، غلامانی که در ملازمت او هستند گوسپندان و شیری را که به او فروخته شود می‌آورند و خاتون آن اجناس را در مقابل عطریات معامله می‌کند و بسا که شوهر خاتون هم همراه او است لیکن هر کس او را ببیند خیال می‌کند که از جمله پیشخدمت‌های زن است زیرا وضع او بالنسبه به وضع خاتون محقر می‌نماید. لباس مردها معمولاً پوستین است که از جلد گوسفند می‌دوزند و سرپوشی نیز متناسب با همین لباس بر سر می‌گذارند که آنرا کلا (کلاه) می‌نامند» (همان: ۱/۴۰۲).

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی سفرنامه ابن فضلان و ابن بطوطه نشان داد که با وجود بُعد تاریخی دو سفرنامه از نظر زمانی، مناطقی که آن دو بدان سفر کرده‌اند طی چندین سده تفاوت ماهوی چندانی نداشته است. از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناختی هر دو بر نقاط مشترکی صحنه گذاشته‌اند که زیربنای فهم ما از مردم مناطق روس و بلغار است. ابن فضلان بیش از آنکه سفرنامه‌نویس باشد، سفیر دربار خلیفه به همراه هیئت ارسالی به جانب بلغارها بود. شرح این سفر یا باید برای خود خلیفه بوده باشد یا برای دستگاه سیاست‌گذاری خلافت. سفرنامه ابن بطوطه نیز بنا به درخواست امیر تونس املاء شده است و بنابراین، دستمایه نگارش هر دو سیاسی-مذهبی است. در آثار هر دو

نویسنده، اطلاعات مفیدی درباره جغرافیای تاریخی جهان اسلام بیان شده است. از سوی دیگر با نگاهی وسیع به بررسی وضعیت و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی اقوام در قرن دوم تا چهارم هجری پرداخته اند و از لابه لای آثار این دو می توان به اطلاعات مفیدی از عقاید و باروهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی اقوام در این مقطع تاریخی دست یافت. بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی در آینه این سفرنامه ها نقش مهمی در دستیابی به یک چشم انداز دقیق از تحولات این دوره دارد. جائیکه ثبات سیاسی و اجتماعی و رواج مذهب در سایه حکومتهایی چون سامانی و سلجوقی منجر به ساخت مساجد در منطقه ماوراءالنهر و خراسان شده است. از سوی دیگر همین ثبات سیاسی زمینه ساز ساخت رباطهای متعددی در این دوره تاریخی شده است.



منابع:

کتاب‌ها:

- ابن بطوطه، ابوعبدالله. (۱۳۳۷). سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن خلدون. (۱۳۶۴). العبر، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا. (۱۳۶۰). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن فضلان، احمد. (۱۳۴۵). سفرنامه، ترجمه ابولفضل طباطبائی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۹۵۵). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- بارانی، محمدرضا. (بی‌تا). معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان. تهران: نگاه.
- بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر. (۱۳۵۸). الفرق بین الفرق، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: اشراقی.
- جوینی، عطاملک. (۱۳۸۲). تاریخ جهانگشا. تصحیح محمد قزوینی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- حموی، یاقوت. (۱۳۷۴ ه.ق.). معجم البلدان، بیروت: دارالصادر.
- رضا، عنایت‌الله. (۱۳۷۰). ابن فضلان، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- شبارو، عصام محمد. (۱۳۸۶). «دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام»، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۳). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ. (۱۳۷۶). تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کولسینکف، آ.آی. (۱۳۵۷). ایران در آستانه یورش تازیان، ترجمه م.ر. یحیایی، تهران: آگاه.
- لسترینج، گای. (۱۳۶۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- محمدی ملایری، محمد. (۱۳۷۹). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال به عصر اسلامی، تهران: توس.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۶۵). مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

نفیس احمد. (۱۳۷۶). خدمات مسلمانان به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

هولت و لمبتون. (۱۳۸۱). تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر.

وجدی، محمد فرید. (بی تا). دایره معارف القرن العشرون، المجلد الرابع، بیروت: دارالفکر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۶۶). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مقالات:

آئینه‌وند، صادق؛ گراوند، مجتبی. (۱۳۹۰). «شیوه سفرنامه‌نویسی در مغرب و اندلس؛ مطالعه موردی الرحله المغربیه ابو عبدالله عبدی (قرن ۴ تا ۸ هجری)»، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال سوم؛ شماره چهارم، صص ۱-۲۲.

اکبری، امیر؛ فرخی، علی. (۱۳۹۵). «اهمیت بناهای تاریخی سنگ بست و تلاقی راه‌های ارتباطی جاده ابریشم در خراسان»، فصل نامه علمی پژوهشی تاریخ، شماره ۲۲، صص ۷-۲۱.

برومند اعلم، عباس؛ انارکی، رقیه. (۱۳۹۱). «نهادهای آموزشی در مغرب اقصی در عصر بنی مرین»، مطالعات تاریخ اسلام، سال چهارم شماره ۱۵.

بهدار، محمدخان. (۱۳۱۴). «بزرگان: ابن بطوطه»، مجله مهر، شماره ۲۶.

پور احمد، احمد. (۱۳۷۷). «تاریخ و فلسفه جغرافیا: نقش جغرافیدانان مسلمان در پیشبرد علم جغرافیا»، دانشگاه انقلاب، شماره ۱۱۱

تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۵). «اوضاع روسیه در سفرنامه ابن فضلان»، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲.

ثقفی، سید محمد. (۱۳۹۴). «فرهنگ‌شناسی در سفرنامه ابن بطوطه در قرن هشتم»، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۱.

ثقفی، سید محمد. (۱۳۷۵). «بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی سفرنامه ابن فضلان»، آینه پژوهش، شماره ۸.

حبیبی، حسن. (۱۳۸۵). «چند نمونه از داده‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در سفرنامه ابن بطوطه، فصلنامه انجمن، شماره ۲۱.

ذاکری، علی‌اکبر. (۱۳۷۶). «نگاهی به جهانگردی در تمدن اسلامی»، کاوشی نو در فقه، شماره ۱۴.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۷۷). «ابن بطوطه»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۵.

رضایی، مرتضی. (۱۳۹۱). «درآمدی بر سفرنامه‌های مسلمانان در عصر عباسی»، تاریخ نو، سال دوم، شماره ۳.

رضایی، رضا؛ شیخ، محمد. (۱۳۹۴). «زبان فارسی در هند بر اساس ملاحظات ابن بطوطه»، مطالعات شبه قاره، شماره ۲۴.

رودگر، محمدعلی. (۱۳۷۶). «تصویری از اوضاع فرهنگی و علمی ایران در سفرنامه ابن بطوطه»، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۴.

زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). «پدیده‌های بدیع معماری ایران از نیمه قرن اول تا دوره ایلخانی»، شهرهای ایرانی-اسلامی، شماره ۴، صص ۴۹-۵۸.

فروغی، محمدعلی. (۱۳۱۶). «مردم‌شناسی چیست؟»، مجله مردم‌شناسی، سال هشتم، ش ۲.

موسوی، سید هادی. (۱۳۹۲). «رخداد فهم در سفرنامه ابن فضلان با تکیه بر هرمنوتیک گادامری»، نیمسال نامه تاریخ نو، شماره پنجم.

نصیب، سید امید علی. (۱۳۸۲). «سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم‌شناسی»، کاوش‌نامه، سال چهارم، شماره ۵ و ۶.

پایان‌نامه‌ها:

گراوند، مجتبی. (۱۳۸۷). «رحالان و رحله نویسی در تمدن اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد مرکز، تهران.

